

چگونگی انتقال بردگان صقلایی به اندلس دوره اموی

سپیده طبری کوچکسرایبی^۱
یونس فرهمند^۲
هادی عالمزاده^۳

چکیده

دادوستد بردگان که از دیرباز در غرب اروپا معمول بود، پس از فتح اندلس در دهه پایانی سده اول هجری، توسط مسلمانان تداوم یافت. در این میان بردگانی از نواحی شمالی اسپانیا، به‌ویژه سرزمین‌های اسلاوی، به بازارهای اندلس وارد شدند. این بردگان که در منابع اسلامی سده‌های میانه به «صقالبه» معروفند، اغلب توسط تجار یهودی خریداری و به اندلس در غرب جهان اسلام انتقال می‌یافتند. پرسش اصلی مقاله این است که خاستگاه اولیه و پراکندگی جغرافیایی صقالبه کجا بود و آنها چگونه به جامعه اندلس راه یافتند؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد صقالبه گروهی از اقوام سفیدپوست ساکن در اروپای شرقی و مرکزی بودند که به صورت برده وارد اندلس شده بودند. حاکمان اموی اندلس نیز که از رقابت‌های قومی و قبیله‌ای بربرها و عرب‌ها به تنگ آمده بودند، از این فرصت برای تداوم حکومت خود در اندلس بهره جستند. از این‌رو دادوستد بردگان صقلایی هر سه ضلع مثلث این انتقال، یعنی بردگان، تاجران یهودی و حاکمان اموی را منتفع می‌ساخت.

کلیدواژه‌ها: اسلاوها، امویان اندلس، اندلس، بردگان، تاجران یهودی، صقالبه.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
sp.tabari301@gmail.com

۲. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (نویسنده مسئول).
farahmand@srbiau.ac.ir

۳. استاد گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
hd.alemzadeh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۷/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۱۵

درآمد

«برده» (بنده، غلام، عبد، رقبه، رق، امة، کنیز) بر زنان و مردانی اطلاق می‌شد که اغلب در جنگ‌ها به اسارت درمی‌آمدند.^۱ تصور عمومی از این واژه، بیشتر ناظر به سیاه‌پوستان است (Walvin, 7). عرب‌ها نیز سیاهی رنگ پوست را نشان بردگی و مهمتر از آن اساس تمایز و طبقه‌بندی نژادی می‌دانستند. با وجود این، اقوام گوناگونی از سفیدپوستان نیز به بردگی اعراب مسلمان درآمدند. اندلس به دلیل مجاورت با اروپاییان سفیدپوست، مرکز داد و ستد بردگان سفید در غرب جهان اسلام بود. بردگان سفیدپوست «صقالبه»^۲ نامیده می‌شدند.

نیاز حکام اندلس به غلامان صقلایی موجب توجه تاجران برده به ویژه یهودیان به این بردگان شد (Gomez, 277). یهودیان از ساکنان قدیم اندلس بودند که پس از تجربه دشوار زندگی در حکومت ویزیگوت‌ها^۳ زیر سایه حکومت اسلامی با عنوان «اهل ذمه» و با بهره‌مندی از تسامح و مدارای اسلامی به دین و آداب خود زندگی می‌کردند (مونس، ۱/۴۹۳). بیشتر یهودیان به تجارت برده اشتغال داشتند؛ زیرا تجارت برده از مشاغل مهم و پرسود محسوب می‌شد؛ چندان‌که این امر به عنوان یکی از عوامل استقرار جوامع یهودی در اغلب کشورهای اروپایی به ویژه فرانسه (مهم‌ترین مرکز

۱. دهخدا، ذیل واژه‌ها؛ مصاحب، ذیل «بردگی».

۲. عمدتاً به اقوام اسلاوی مختلف‌الاصل ساکن در سرزمین‌های میان قسطنطنیه و بلغار در شرق تا سرزمین فرانک‌ها در غرب، صقالبه اطلاق شده‌است (ابن‌العبری، ۴۷؛ جیوسی، ۱۷۵). ابن‌عربی واژه صقلاب را به معنای مرد سفیدپوست آورده است و ابومنصور آنان را نسلی از مردم با پوست و مویی سرخ و روشن دانسته است و مسعودی برای آنان اقسام متعددی را با ذکر نام پادشاه هر قوم، برشمرده است (یاقوت حموی، ۳/۴۱۶).

۳. ویزیگت‌ها/ ویزیگوت‌ها (Visigoths) یا گت‌های غربی، از گروه‌های عمده ژرمن‌ها بودند که در قرن ۴ میلادی از استروگوت‌ها/گوت‌های شرقی جدا شده و شروع به پیش‌روی در نواحی دانوب کردند. آنان بعد از تصرف سراسر ایتالیا، به سمت اسپانیا پیش‌روی کرده و پس از مدتی با جامعه اسپانیایی درآمیختند و بخشی از تاریخ آن سرزمین شدند (مصاحب، ذیل مدخل).

معامله برده) به شمار می آید.

پیشینه پژوهش

درباره حضور بردگان صقلی در جهان اسلام، پژوهش‌های متعددی انجام شده است. به نظر می‌رسد مقاله «الصقالبه فی الروایة العربیة و فی الدولة الأندلسیة» از محمد عبدالله عنان (۱۳۵۴) که در آن نقش سیاسی صقالبه از آغاز خلافت عبدالرحمن ناصر تا پایان حکومت حمودیان در اندلس بررسی شده است، پیشگام این تحقیقات باشد. این پژوهش چنان‌که از نام آن هم توان دانست، به چگونگی ورود بردگان صقلی و نقش آنان در سایه حمایت حاکمان اموی اشاره‌ای نکرده است. حدود دو دهه پس از عنان، احمد مختار العبادی *الصقالبه فی اسپانیا* (۱۹۵۳م) را نگاشت و در آن از گونه‌های بردگان اروپایی در دولت اسلامی و از اشتغال فزاینده یهود به تجارت بردگان اسلاوی و نقش و نفوذ اسلاوها در دستگاه امویان سخن گفت. با آن‌که این اثر پس از نزدیک به هفت دهه همچنان ارزش خود را حفظ کرده، اما به دلیل اتکای صرف نویسنده به برخی از منابع محدود و دست‌نویس‌های تازه یافت شده و نیز به دلیل تمرکز بر والیان صقلی در عصر ملوک الطوائف، همچنین عدم توجه لازم به نقش سیاسی صقالبه در دوره امویان، نمی‌تواند پاسخ‌گوی بسیاری از پرسش‌های مطرح در این پژوهش باشد. توجه به «صقالبه» و نقش سیاسی آنان در روزگار امویان اندلس تا دوره ما همچنان ادامه یافت و احمد حامد المجالی (۲۰۰۸م) رساله دکتری خود را با نام *الصقالبه و دورهم السیاسی و الثقافی فی الاندلس* در دانشگاه موهه اردن دفاع کرد و به چاپ رساند. رساله او که بر نقش اسلاوها در تاریخ اندلس تأکید دارد، علاوه بر چینش و نظم دقیق مطالب، اطلاعات نسبتاً کاملی از تجارت غلامان صقلابی و نقش سیاسی، علمی و فرهنگی آنها به دست داده است، اما این داده‌های انبوه فاقد دقت و تحلیل لازم است. پس از او نجار نیز دو پژوهش ارزشمند به نام‌های *الصقالبه فی قصور بنی امیة فی الاندلس* (۲۰۱۱م)؛ و *فی حواری الحضارات، الصقالبه فی جیش الدولة الامویة فی الاندلس* (۲۰۱۴م) را در موسسه شباب الجامعة در اسکندریه منتشر و در آن، تاریخ سیاسی

اندلس در عصر امویان و نقش غلامان صقلابی را در دربار و ارتش خلافت بررسی کرد. به‌رغم منابع دست اول این پژوهش‌ها، گزارش‌های او از نقش صقلابه در دوره اموی اغلب توصیفی است و کمتر به تحلیل رخدادها و فرآیند انتقال بردگان صقلابی پرداخته کرده است.

وجه تسمیه صقلابه

صَقَالِبَةُ جمع کلمه صَقْلَابِی و صَقْلَبِی است (عمید، ذیل مدخل). صَقْلَابِی معرب است و به صورت سَقْلَاب یا صِقْلَاب نیز آمده است (ابن العبری، ۴۴۷؛ دهخدا، ذیل مدخل). برخی نام اسلاو را که از کلمه صربی اسلاوا^۲ به معنای شکوه و جلال گرفته شده است (Tomovich, 68)، با واژه اسپانیایی «اسکلابوی»^۳ به معنی «برده مذکر» برابر می‌دانند (مزروع، ۱۱۸). گروهی دیگر صقلابه را معرب لاتینی آن، «اسکلاووس»^۴ دانسته‌اند که در تلفظ رومانیایی به معنای «بردگان» و نامی قدیمی برای صرب‌ها و اسلاوهاست (Ibid, 7-8, 150). به‌رغم تشابه بسیار کلمه عربی شده «صقلابه» با اشکال مختلف لاتینی، به نظر می‌رسد این اصطلاح از واژه یونانی «اسکلاونوی»^۵ به معنی «برده» گرفته شده که بعدها به شکل اسلاو یا اسلاویایی نیز درآمده است. در ترجمه‌های نوین، این عبارت به صورت «اسلاو»^۶ آمده است که به‌وضوح به اسلاوها اشاره دارد (Hraundai, 64)؛ اما از آنجایی که این اقوام، تحت حمایت امپراتوری‌های بیزانس و اندلس قرار گرفتند و به عنوان برده به آنان خدمت کردند، عبارت لاتین «اسلیو»^۷ به معنای «برده»، کاربرد پررنگ‌تری یافت و مورد توجه بسیاری از نویسندگان واقع شد. به تعبیر توموویچ، خدمات صرب‌ها، کروات‌ها و اسلاوها به

1. Saqālebe
2. Slava
3. Esclaboy
4. Sclavus
5. Sklavenoi
6. Slav
7. Slave

امپراتوری بیزانس و در مقابل حمایت حکومت از آنان نشان بردگی این اقوام است (Tomovich, 68,175,33). به این ترتیب واژه «اسلیو» و معادل عربی آن «صقلبی»، بیش از واژگان دیگر در میان عرب‌ها رواج یافت و نه تنها به بردگان اسلاوی، بلکه به تمام بردگان سفیدپوست فرنگی نیز اطلاق می‌شد (نجار، الصقالبة فی قصور بنی امیه فی الاندلس، ۴۸، ۵۰).

خاستگاه اسلاوها

نخستین گزارش‌های مکتوب درباره اسلاوها مربوط به زمان ورود آنها در اوائل قرن ششم میلادی (Curta, 335)، یعنی هنگامی است که برای اولین بار با دستیابی به فرهنگ و تمدن از همسایگان و اقوام دیگر همچون خزرها، آلان‌ها و فرانک‌ها (یعقوبی، ۱۵۷/۱) متمایز شدند. این اقوام از قرن پنجم میلادی در حال مهاجرت از زیستگاه باستانی خود بودند (Golden, 874). در میان سده‌های شش تا هفت میلادی طوایف متعدد اسلاو در دشت‌های اروپای شرقی که زیستگاه اولیه آنان بوده، ساکن و از آن پس به عنوان یکی از گروه‌های قومی اصلی در اروپا شناخته شدند (Markov, 4).

اسلاوها مردمانی از گروه نژادی و زبانی متعلق به خانواده زبان‌های هندواروپایی بودند که خاستگاه آنها پهنه وسیعی از اروپا بود که اضلاع آن همچون مثلثی از شرق اروپا از آن سوی دریای سیاه آغاز و تا مابین کوه‌های اورال تا دریای بالتیک در شمال و از آنجا تا دریای آدریاتیک در مرکز اروپا را شامل می‌شد (ابن‌ابی‌اصیبعه، ۱۵۷/۱؛ مصاحب، ذیل مدخل).

گروه‌های اسلاو و انتقال آنان به اسپانیا

اسلاوها از دورترین مناطق شرق و شمال اروپا به نواحی غربی و شبه جزیره ایبری راه یافتند (دوزی، ۳۷/۲)؛ از این‌رو مورخان و جغرافی‌نگاران مسلمان سده‌های میانی به آنها توجهی ویژه داشته و شجاعت، جنگاوری و تفاخر بین قبایل اسلاوی را وصف کرده‌اند (مسعودی، مروج‌الذهب، ۳۹۴/۱؛ Markov, 4؛ Tikomomirov.M, 26). آنها این خصلت‌ها را به طبیعت سرد (قلقشندی، ۳۹۶/۵) و خشن سرزمین آنها نسبت

داده‌اند (مسعودی، *التنبیه و الاشراف*، ۲۲). شرح جنگ‌های اسلاوها و ملل همجوارشان، از جمله رومیان، آوارها، ژرمن‌ها و فرانک‌ها^۱ بارها در منابع گزارش شده‌است (منجم، ۱۵؛ بکری، ۳۴۰/۱؛ ابن اثیر، ۴۷۸/۷-۴۷۹).

اولین گروه از اقوام اسلاوی در اواخر قرن پنجم و اوائل قرن ششم میلادی، به قلمرو ژرمن‌ها در اروپای مرکزی هجوم آوردند.^۲ با این یورش راه ورود آنان به غرب اروپا باز شد و حاصل آن تداوم جنگ‌های اسلاوی-ژرمنی و به اسارت درآمدن گروهی بسیار از اسلاوها و فروش آنان به اسپانیای مسلمان بود (نجار، *الصقالبه فی قصور بنی امیه فی الاندلس*، ۴۸؛ بنملیح، ۱۴۸). مسیر انتقال آنان از شهر کوبلنتس^۳ واقع در کرانه رود راین آغاز و پس از عبور از شهر وردن^۴ در شمال فرانسه و کرانه رود رون،^۵ وارد شهر بندری آرل^۶ در جنوب فرانسه می‌شدند و سپس به بندر المریا^۷ در ساحل شرقی اندلس در دریای مدیترانه (دویدار، ۳۳۱) که یکی از مراکز مهم خرید و فروش برده بود، می‌رسیدند.

دومین گروه از اسلاوها در اواخر قرن ششم میلادی (Dovernic, 2) در نتیجه حملات دریایی آوارها، در سواحل دریای آدریاتیک، همچون دالماتیا،^۸ به اسارت

۱. در منابع از فرانک‌ها با عنوان افرنج یاد شده‌است که همجوار صقالبه بوده‌اند (ابن فضلان، ۱۱۸؛ ابن حوقل، ۱۱۰/۱؛ بکری، ۹۱۳/۲؛ قزوینی، ۶۹۷).

۲. ژرمن‌ها که از گزند اسلاوها در امان نبودند، اقوام اسلاوی را بدوی و غیرمتمدن می‌انگاشتند (گروسه، ۲).

۳. شهر کوبلنتس که به آلمانی (Koblenz) خوانده می‌شود، یکی از پایگاه‌های مهم تجارت بردگان اسلاوی در آلمان بوده است (بنملیح، ۱۹۳).

4. Verdun

5. Rhone

6. Arles

۷. المریه (Almeria) نام جدید شهر بجانیه (ابن حوقل، ۱۱۰/۱) از مشهورترین شهرهای باستانی اندلس در ساحل دریای مدیترانه است که توسط خلیفه عبدالرحمن ناصر بنا شد (ارسلان، ۱۱۷/۱).

۸. دالماتیا Dalmatiat /Dalmacija، اقوام اسلاوی ساکن کرواسی بودند (Dovernic.F, 46).

درآمدند که توسط برده‌فروشان، به‌ویژه تاجران ونیزی، در بازارهای مسلمانان اسپانیا معامله شدند (Lewies, 6).

بخشی دیگر از اسلاوها در قرن چهارم هجری (ارسلان، ۱۷۷) پس از حملات دزدان دریایی سواحل اروپایی دریای مدیترانه (عبادی، ۹)، از بندر کالابریا^۱ در جنوب ایتالیا و گالیسیا^۲ و کاتالونیا،^۳ در غرب و شرق اسپانیا به اندلس وارد شدند (ابن حوقل، ۲۰۰/۱). در همین سده، به غیر از گالیسیا و فرانکها، برخی از اسلاوهای سرزمین‌های شرقی در سواحل شمالی دریای سیاه نیز، به اسارت دزدان دریایی درآمدند که پس از ورود به بنادر ایتالیا، توسط تاجران یهودی خریداری شدند. افزون بر این بردگان به اسارت درآمد، بازرگانان به خرید فرزندان خانواده‌های فرودست (اعم از پسر و دختر) نیز مبادرت می‌کردند (دوزی، ۳۸/۲).

علاوه بر بردگان اسلاوی که از راه آبی و دریایی به شبه جزیره ایبری وارد می‌شدند، گروه‌های دیگری نیز بودند که بازرگانان یهودی از طریق مرزهای خشکی به اندلس می‌آوردند. شماری از این اسلاوها در پی تجارت گسترده برده در اواخر قرن پنجم میلادی، از سرزمین‌های اروپای مرکزی به اسپانیا راه یافتند (Harvey, 8). شماری دیگر نیز از طریق مرزهای جنوب فرانسه، از گذرگاه کوهستانی پیرنه،^۴ واقع در مرزهای فرانسه-اسپانیا، وارد این سرزمین شدند (بکری، ۸۹۵/۲) و سرانجام لومباردی‌ها^۵ بودند که از مرزهای شمال ایتالیا، به فرانسه منتقل و از آنجا به اسپانیا فرستاده می‌شدند (عبادی، ۹).

آخرین گروه از بردگان اسلاوی اندلس در دوره اسلامی، کسانی بودند که در سده‌های سوم و چهارم هجری (جیوسی، ۱۷۵/۲)، از طریق جنگ‌های متعدد مسلمانان

۱. قَلُورِیَه (Calabria) جزیره‌ای در شرق صقلیه (سیسیل) است که اهالی آن فرانسوی هستند (یاقوت حموی، ۳۹۲/۴).

2. Galicia

3. Catalonia

۴. گذرگاه کوهستانی پیرنه یا آلبرت (Albert) در سرزمین فرانسه قرار دارد (مقری، ۲۷۲/۱).

5. Lombardy

با مسیحیان شمال اسپانیا^۱ به اسارت درمی‌آمدند؛ این بردگان اگرچه از اقوام اسلاوی نبودند، اما به واسطه زیبایی و شباهت و ویژگی‌های جسمانی‌شان با اسلاوها، با نام «صقاله» شناخته می‌شدند (مقری، ۱۲۹/۱).

مراکز فروش بردگان

بردگان از اصلی‌ترین کالاهای تجاری بازرگانان ترک، روس، یهودی و مسلمان بودند (Cvijanovic, 298) که از سرزمین‌های اسلاوی، روس و بیزانس به جهان اسلام آورده می‌شدند (مزروع، ۱۱۶). شهر پراگ در میان مراکز فروش بزرگترین و اولین مرکز معامله بردگان در قرن ۴/۱۰م بود (متز، ۳۰۱/۱ و ۳۰۲). ابراهیم بن یعقوب طروشکی یکی از شناخته‌ترین بازرگانان یهودی اندلس و از جهانگردان معروف آن عصر (Hraundal, 84)، در اواسط قرن چهارم هجری (حوالی سال ۹۶۰ میلادی) به سرزمین اسلاوهای غربی (Tikomomirov, 24)، آلمان، ایتالیا و شمال اروپا سفر کرد (کراچکوفسکی، ۱۵۳) و مجموعه مشاهداتش را در قالب سفرنامه‌ای خواندنی به یادگار گذارد (Idem). اصل این سفرنامه از بین رفته ولی پاره‌ای از گزارش‌های آن در کتاب المسالك والممالک بکری جغرافیانگار قرن پنجم هجری باقی مانده است. بکری به نقل از طروشکی، ضمن معرفی شهر پراگ به عنوان یکی از مراکز فروش بردگان صقلی، آن را دارای بازارهایی توصیف کرده که تجار لهستانی، روسی و اسلاوی برای معامله بردگان به آنجا رفت و آمد می‌کردند (بکری، ۳۳۲/۱). ابراهیم بن یعقوب، پراگ را به لحاظ ساخت زین و سپر، شهری تجاری و صنعتی^۲ توصیف کرده که مورد توجه تجار بزرگ بود (Idem). او از اهمیت این بازار و بردگان اسلاوی به عنوان کالاهای اصلی آن یاد کرده است. از مطالعه گزارش‌های طروشکی می‌توان دریافت که اقتصاد و

۱. گالسی‌ها، فرانک‌ها و لومباردی‌هایی که در مجاورت یکدیگر بودند و بیشتر آنها با مردمان اندلس می‌جنگند (مسعودی، مروج الذهب، ۱۱/۲).

۲. حمیری (ص ۸۶) نیز از بازار پراگ سخن گفته است و ضمن معرفی آن شهر، به ساخت زین و افسار حیوانات در آنجا اشاره کرده است.

معیشت این دوره به کشاورزی و صنعت زین و سپر سازی متکی بوده و به‌ویژه بردگان صقلایی، سهم قابل توجهی از این اقلام تجاری را به خود اختصاص می‌دادند. مارک جانکوویاک^۱ که از روی مسکوکات و منابع مکتوب، تاریخ اسلاوها را بازیابی کرده، از گزارش‌های طرطوشی درباره نحوه معاملات برده به این مهم دست یافته که در قرن دهم میلادی در پراگ دو نظام مالی مجزا برای تجارت بردگان وجود داشت: یکی انجام مبادلات از طریق رد و بدل کردن پول و سکه فلزی و دیگری به شیوه پایاپای یعنی تبادل منسوجات و کالاهای چرمی به جای پول بود (8, Jankowiak). از این رو اهمیت شهر پراگ و ارتباط نزدیک بازرگانان یهودی و خرید و فروش بردگان اسلاوی از دید منابع پنهان نمانده است؛ چنانکه در منابع از روابط میان بازرگانان یهودی و بازار برده پراگ و وابستگی آن با اندلس نیز بسیار سخن رفته است (بکری، ۳۳۲/۱؛ حمیری، ۸۶؛ رضا، ۶۷۱/۲). به غیر از پراگ، بازارهای فرانسه نیز از مهمترین مراکز داد و ستد بردگان در اروپا بودند (مجاللی، ۲۸)؛ در این میان شهرهای وردن^۲ و لورن^۳ از بازارهای مشهور فرانسه جهت معامله برده بودند (رینو، ۲۱۴؛ خالدی، ۴۱۱).

هدف مسلمانان از خرید بردگان اسلاوی

دستیابی به بردگان صقلایی از چند طریق امکان‌پذیر بود. نخست، خرید مستقیم آنها از بازارهای برده‌فروشی و مراکزی که به این تجارت اشتها داشتند و نیاز جامعه اندلس را برآورده می‌کردند. شیوه دیگر، اهداء بردگان بود که شاهان و حکام سرزمین‌های مجاور برای برقراری روابط با حاکمان دیگر ولایات به عنوان سنتی دیرپای از آن سود می‌جستند؛ چنانکه موریکس قیصر روم تعداد زیادی کنیز صقلایی^۴ به خسرو پرویز پادشاه

1. Mark Jankowiak
2. Verdun
3. Lorraine

۴. پادشاه رومیان دو هزار دینار، صد هزار سوارکار، یک هزار لباس رنگین از گنجینه گنج بافته شده با طلای سرخ و یکصد و بیست کنیز از دختران بُرجان، جلالقه و صقالبه و مانند اینها را به دخترش ماریا که به ازدواج خسرو پرویز درآمد، هدیه داد (مسعودی، مروج الذهب، ۳۰۳/۱). مراد از بُرجان سرزمینی

ایران اهدا کرده بود (مسعودی، مروج الذهب، ۱/۳۰۳)؛ و یا پادشاهان ملل مسیحی همچون بارسلونا، آراگون و سایرین که از خواجهگان صقلابی، برای تجدید پیمان صلح با مسلمانان استفاده می‌کردند (مقری، ۱/۲۹۹؛ ابن خلدون، ۴/۱۸۷).

بردگان صقلی در مبادلات جامعه اندلسی از هدایای گران‌قیمت و با اهمیت به‌شمار می‌رفتند (مجال، ۴۶-۴۷؛ بنملیح، ۲۱۵)؛ به‌گونه‌ای که افراد متمکن نیز آنان را همچون جواهرات گران‌بها به یکدیگر هدیه می‌دادند (رینو، ۲۱۴). به عنوان نمونه قیمت یک برده ترک در بازارهای برده فروشی حدود ۶۰۰ دینار و برده صقلی ۱۰۰۰ دینار برآورد شده‌است (مزرع، ۱۲۲). این بردگان عمدتاً برای دو منظور به خدمت گرفته می‌شدند؛ گروهی برای کار در منازل اشراف (Lewies, 6)، همچون پخت‌وپز، نظافت، پرستاری از کودکان، و کار در مزارع (AL-Eidi, 122)؛ و گروهی دیگر نظامیانی که در ارتش یا کاخ‌های حاکمان خدمت می‌کردند که این دومی خود به دو دسته تقسیم می‌شد: نخست، بردگان خواجه‌ای که مراقبت از حرم‌سراها را برعهده داشتند و دیگر محافظین شخصی امرا و خلفای اموی (مصاحب، ذیل «صقالبه») که به‌عنوان نگهبانانی خاص از آنان و کاخ‌هایشان محافظت می‌کردند (Idem).

در یادداشت‌هایی که از مشاهدات جهانگردان و سفرنامه‌نویسان مشهور به‌دست آمده، دختران اسلاوی کنیزانی سفیدروی و زیبا بودند (ابن فقیه، ۱۹۰) که با عناوین مختلفی نزد عرب شناخته می‌شدند. از جمله گروهی که «رشیدات» برآنان اطلاق می‌شد و عهده‌دار خدمت در منازل و قصرهای بزرگان بودند (مزرع، ۱۲۰)؛ شماری دیگر ملقب به «قیان»^۱ (جمع قین: آوازه‌خوان، رامشگر) بودند و نزد اشراف ارزش و اعتبار ویژه‌ای داشتند (جیوسی، ۱۷۶/۲) و برخی نیز به «صقلیات» شهره بودند که در دربار امویان جایگاه برتری داشتند. ویژگی‌های چهره این زنان، همچون موی بور، چشم آبی و پوست سفید (مسعودی، التنبیه و الاشراف، ۲۲)، از عمده‌ترین دلایل حضور آنان در

از نواحی خزر است (یاقوت حموی، ۱/۳۷۳) و مراد از جلالقه همان اهالی سرزمین جلیقیه/گالیسیا هستند که ناحیه‌ای در اسپانیا است (مصاحب، ذیل واژه‌ها).

1. qiyān.

قصرها و موجب قرب جایگاهشان نزد امرا، خلفا و فرزندان خواص بود که به کسب امتیازات و نفوذ و اقتدار آنان در دربار می‌انجامید. مداخله آشکار این کنیزان در سیاست، نخستین بار در زمان حکم ربیعی (۱۸۰-۲۰۶) در اندلس نمایان شد و پس از این نیز شماری از آنان در جایگاه ام‌ولد یا مادر شاهزاده به‌ویژه در عهد عبدالرحمن بن حکم (حک. ۲۰۶-۲۳۸) و حکم‌المستنصر (حک. ۳۵۰-۳۶۶) نقش‌آفرینی کردند (نجار، *الصقلیة فی قصور بنی امیة فی الاندلس*، ۶۳، ۱۰۱-۱۰۲). شمار این غلامان و کنیزان به سرعت رو به افزایش بود؛ به گونه‌ای که در دوره خلیفه عبدالرحمن الناصر تعداد فتیان^۱ صقلی در قصرالزهراء، به ۳۷۵۰ تن و زنان به ۱۳۰۰ (ابن عذاری، ۲/۲۳۲) و در پایتخت خلافت، شمار آنان اعم از نگهبانان، نظامیان و ارتشیان به ۱۳۷۵۰ مرد و تعداد زنان به ۶۳۵۰ تن می‌رسید (عبادی، ۱۱).

گزارش‌های سفرنامه‌نویسان و جغرافی‌نگاران مسلمان به وضوح از زیبایی کنیزان اسلاوی و شیفتگی مسلمانان حکایت دارد. ابن فضلان می‌گوید:^۲ «من روس را دیدم که برای تجارت آمده و در کنار رودخانه اتیل^۳ اردو زده بود... با آنها دختران برده زیبایی هست که به بازرگانان می‌فروشند...» (ابن فضلان، ۱۱۸). او که در گزارش‌های خود روس‌ها را از اقوام اسلاوی ذکر کرده، زیبایی چهره دختران را دلیلی بر تقاضای زیاد بردگان اسلاوی در جهان اسلام دانسته است (Jankowiak, 4-5).

به همان اندازه که کنیزان اسلاوی به سبب جاذبه‌های جنسی در میان اشراف و درباریان، خریداران بسیار داشت، غلامان صقلایی نیز به دلیل توان بالای نظامی و تأثیرگذاری آنان بر مناسبات قدرت بین اقوام گوناگون در اندلس مطلوب بودند. هم از

۱. فتیان به معنی عیاران و جوانمردان است (دهخدا، ذیل واژه‌ها).

۲. ابن فضلان نخستین کسی است که درباره اقوام صقلی سخن گفته است؛ وی در ۳۰۹ هجری از سوی مقتدر بالله خلیفه عباسی، به عنوان سفیر، نزد پادشاه صقلیه اعزام شد و از سرزمین آنان دیدن کرد و مجموعه مشاهداتش را در کتابی گردآوری کرده است (یاقوت حموی، ۲/۳۹۷).

۳. اتیل/اتیل/اتیل نام رود ولگا در مآخذ اسلامی و نیز نام شهری قدیم بر دو طرف مسیر سفلاوی ولگا که ظاهراً در اوائل ظهور اسلام پایتخت دولت خزران بود (مصاحب، ذیل مدخل).

این روست که ابراهیم بن یعقوب پس از آنکه موهای بور و چهره با طراوت اسلاوها را به اقلیم سردشان نسبت می‌دهد (Tikhomirov, 24)، بر توان رزمی بالا و نیرومندی آنان نیز تأکید می‌کند که اگر به خاطر دسته‌بندی‌ها و تفرقه افکنی‌های بیش از حد آنها نبود، هیچ ملتی تاب مقاومت در برابر ایشان را نداشت (Golden, 875).

ابن حوقل که در اوایل قرن چهارم هجری از اسپانیا دیدن کرده (ابوالفضل، ۸۹) از دختران و پسران زیباروی صقلی که از سرزمین‌های فرانسه، گالیسیا، لومباردی و کالابریا به اندلس منتقل می‌شدند، سخن گفته است (ابن حوقل، ۱۱۰/۱؛ ارسلان، ۴۲/۱). از این گزارش‌ها می‌توان دانست که زیبایی دختران و جنگاوری و توان رزمی پسران، از مهم‌ترین دلایل تمایل عرب‌ها به بردگان اسلاوی بوده‌است. به دلیل توانایی‌های این نظامیان، حاکمان اموی به خرید و استخدام آنها اهتمام ویژه داشتند و پسران و دختران صقلی نیز که به جایگاه و نقش خود پی برده بودند، توانستند به مثابه کنش‌گرانی مؤثر در امور نظامی و سیاسی، حتی عزل و نصب حاکمان، اظهار وجود کنند.

تاجران بردگان اسلاوی

مطالب به‌دست آمده از منابع دست اول در قرون سوم و چهارم هجری، از مشاهدات سفیران، گردشگران و بازرگانان یهود و مسلمان همچون ابن‌فضلان (۹۹، ۱۱۸)، مسعودی (التنبیه و الاشراف، ۲۲؛ همان، مروج الذهب، ۳۰۳/۱ و ۳۹۴، ۱۱/۲)، ابراهیم بن یعقوب (به نقل از بکری، ۳۳۲/۱؛ حمیری، ۸۶) و ابن‌حوقل (۱۱۰/۱، ۲۰۰) که به سرزمین‌های اسلاوی در اروپای شرقی و غربی سفر کرده و مشاهدات خود از آن نواحی را به‌دست داده‌اند، اگرچه خالی از ابهام نیست؛ اما حاوی اطلاعات غنی و جامعی از آن نواحی است.

قلمرو اسلاوها، شامل سرزمین‌های میان دریای خزر و آدریاتیک (واقع در شرق ایتالیا) است که به بلغارستان بزرگ شهرت داشت، یکی از مقاصد اصلی سفر تاجران برده‌شمرده می‌شد. این بازرگانان در مسیر بازگشت از سرزمین اسلاوها علاوه بر کالاهای تجاری، بردگان بسیاری برای فروش در اروپای غربی به‌همراه داشتند (نجار،

الصقلانیة فی قصور بنی امیة فی الاندلس، ۳۳). در این میان، سه گروه از تاجران در مبادلات بردگان اسلاوی و انتقال آنان به جهان اسلام نقش اساسی داشتند.

۱- اولین گروه تاجران آلمانی یا همان باواریایی‌هایی بودند که اسلاوها را پس از اسارت در جنگ‌ها، به فروش می‌رساندند. چنان که پیشتر اشاره شد، اقوام اسلاوی از اواخر قرن پنجم میلادی راهی سرزمین‌های اروپای مرکزی شده و با ژرمن‌ها وارد جنگ شدند (Dovernic, 2). در روزگار باستان بسیاری از اقوامی که از گزند همسایگان خود در امان نبودند، آنها را غیرمتمدن و وحشی می‌خواندند؛ چنان‌که رومیان به سِلت‌ها،^۱ فرانسویان به ژرمن‌ها و ژرمن‌ها به اسلاوها نسبت بدوی و غیرمتمدن می‌دادند (گروسه، ۲). بدین ترتیب در نتیجه شکست اسلاوها در جنگ و کشته شدن مردان اسلاوی، به جز تعدادی که در مزارع ژرمن‌ها به کارگرفته می‌شدند، باقی افراد غیرمسلح و زنان و کودکان به بردگی گرفته می‌شدند (بنملیح، ۱۹۴، ۱۹۵).

۲- گروه دوم، اقوام خزری مجاور صقلیه بودند که نقش قابل توجهی در تجارت بردگان اسلاوی داشتند و امتیاز این معاملات را از طریق امور تجاری در اندلس و بیزانس به دست آورده بودند (مجاللی، ۲۸). خزران ملتی نیرومند و قوی و از ترکان غربی و به طور دقیق‌تر از شاخه هون‌های غربی بودند (گروسه، ۲۹۹)، که از سده چهارم میلادی در سواحل شمالی دریای خزر ساکن شدند (عالم‌زاده، «خزران در منابع اسلامی»، ۸۳). منابع تصریح می‌کنند که خزرها و پادشاه آنان یهودی‌اند^۲ (یاقوت حموی، ۳۶۹/۲؛ مقدسی، مطهر بن طاهر، ۶۶/۴). صقلیه مجاور آنها نیز از ایشان پیروی می‌کنند (ابن‌فضلان، ۹۹؛ یاقوت حموی، ۳۹۷/۲).

۱. سِلت‌ها (Selt) یا کِلت‌ها، اقوامی از مردمان هند و اروپایی‌ها بودند که نخستین بار در هزاره دوم قبل از میلاد در نواحی آلمان و فرانسه پدیدار و به‌سرعت در سراسر اروپا پراکنده شدند (مصاحب، ذیل مدخل).

۲. در خور ذکر است که خزران ترک تبار، اصالتاً یهودی نبوده‌اند؛ این قوم پس از آن‌که امپراتوری خزران را تشکیل دادند، به دلایل سیاسی ناگزیر از قبول دین یهود و الحاق به آنان شدند (نک. کسلر، ۱۷، ۱۹).

گزارش‌های دیگری نیز وجود دارد که صقالبه برای رهایی از آزار ملل مجاور همچون خزران، به بندگی روس‌ها درمی‌آمدند (گردیزی، ۵۹۳) و چون روس‌ها زمین‌های زراعی و بذر برای کشاورزی نداشتند، به مبادلات خز و سمور (ابن‌رسته، ۱۴۵؛ مقدسی، مطهر بن طاهر، ۶۶/۴) و تجارت برده روی می‌آوردند. روس‌ها از طریق جنگ و غارت، صقالبه را به بردگی می‌گرفتند و با فروش آنها به خزران زندگی خود را تأمین می‌کردند (گردیزی، ۵۹۱-۵۹۲). در نتیجه تاجران خزری واسطه‌گران مهم برده میان بازرگانان اروپایی و مسلمان شناخته می‌شدند (4, Jankowiak).

۳- در میان خریداران بردگان اسلاوی، بازرگانان یهودی سرآمد دیگران بودند، زیرا سهم بسیاری در تجارت برده به‌خصوص بردگان اسلاوی به غرب جهان اسلام داشته و به تدریج از قرن سوم هجری نقش آنان در انتقال شمار بسیاری از آنان از دورترین نقاط شرق اروپا به سمت غرب و اندلس افزایش یافت (بن‌ملیح، ۱۹۴). درحقیقت آنان نقش واسطه میان امراء، خلفا و پادشاهان را برعهده داشتند و به رونق هر چه بیشتر این تجارت و تقویت روابط آنان با جوامع محلی کمک می‌کرده‌اند (مصطفی، ۴۲۲). گرچه تاجران یهودی در کنار داد و ستد برده، کالاهای دیگری همچون پوست خز، جواهرات و ابریشم نیز مبادله می‌کردند، اما شهرت آنان معلول تجارت برده بود. بدین ترتیب تجارت بردگان اسلاوی به سرعت در شهرهای مهم اروپا چون نابون^۱ و وردن (مزروع، ۱۱۷) رواج گرفت و بازارهای بسیاری در جهان اسلام به‌ویژه اندلس به این کار اختصاص یافت (رینو، ۲۱۲).

انتقال بردگان اسلاوی به اندلس

تجارت برده از دیرباز در شبه جزیره ایبری نیز مورد توجه بوده و بردگان زیادی از اقصی نقاط جهان توسط بازرگانان برده به این سرزمین منتقل می‌شدند. این بردگان پس از داد و ستد، به کاخ‌ها و قصرهای اشراف، امرا و فرمانروایان راه می‌یافتند. در این میان، بردگان مازاد بر نیاز جامعه اندلس را روانه شمال آفریقا و سرزمین‌های شرق

1. Narbonne

اسلامی (خالدی، ۴۱۰) همچون هند، سند و چین می‌کردند (ابن‌خردادزبه، ۱۵۳).

حکام اموی اندلس از همان سال‌های شکل‌گیری توسط عبدالرحمن داخل (حک. ۱۳۸-۱۷۲)، از بیم افزایش قدرت قبایل عرب و بربر^۱ و گت،^۲ پذیرای بردگان صقلی بودند. نخستین کسی که با هدف موازنه قوا به صورت گسترده به گزینش صقلیه روی آورد و از آنان در حکومتش بهره جست، حکم بن عبدالرحمن (حک. ۱۸۰-۲۰۶) معروف به حکم ربضی بود. وی در کنار سپردن بخش عمده‌ای از امور خصوصی کاخ به صقلیه، نگهبانان ویژه‌ای از نظامیان وفادار به خود تأسیس کرد که متشکل از پنج‌هزار برده بود که به سبب عجم بودن و ندانستن زبان عربی، «خُرس»^۳ خوانده می‌شدند (ابن سعید مغربی، ۳۹/۱؛ مقری، ۲۶۸/۱؛ سامرای، ۳۹۱). این گروه از صقلیه اغلب از بردگان و خواجهگانی بودند که از کودکی تربیت عربی-اسلامی می‌یافتند (حتی، ۶۷۱) و در سوارکاری و جنگاوری صاحب مهارت می‌شدند (مقری، ۲۶۸/۱). گروهی از آنان بعدها توانستند زیر سایه حکومت دارای نفوذ و جایگاه اجتماعی ویژه‌ای شوند و به مناصب والایی همچون فرماندهی ارتش دست یابند (مزرع، ۱۲۰، ۱۲۱).

نقش بازرگانان یهود

در نتیجه سیاست‌های اقتصادی امویان، بازرگانی در اندلس رشد و رونق یافت. امویان با هدف گسترش تجارت دریایی هم بنادر اندلس را توسعه دادند و هم بازارهای برده فردوشی متعددی را ایجاد کردند (مصطفی، ۴۱۴). این اقدامات اقتصادی همراه با امنیت نسبی مطلوبی که این سرزمین در سده چهارم هجری تجربه می‌کرد (مجال، ۲۹؛

۱. مقدسی در تقسیم بندی انواع بردگان، بربرها را بدترین نوع خدمتگزاران دانسته است (مقدسی، محمد بن احمد، ۲۴۲).

۲. گت‌ها (Got) یا گوت‌ها، از اقوام ژرمنی بودند که احتمالاً اسکاندیناوی خاستگاه اولیه آنها بود. گوت‌ها در قرن ۳ میلادی سرزمین‌های میان دانوب تا دنیپر را تصرف کرده و سپس به نواحی مختلف امپراتوری روم تاختند. آنها در اواخر قرن چهارم در پی حملات هون‌ها، به دو دسته استروگوت‌ها و ویزیگوت‌ها تقسیم شدند (مصاحب، ذیل مدخل).

۳. واژه خُرس (جمع آخُرس) به معنی لال و گنگ است (عنان، تاریخ دولت اسلامی...، ۲۹۷/۱).

بنملیح، ۱۱۰؛ متز، ۳۰۲/۱)، تاجران بسیاری را از شرق و غرب جهان روانه اندلس کرد (عبادی، ۱۰؛ متز، ۳۰۱/۱). یکی از کالاهای پرسود تجاری این دوره در اندلس، بردگان بودند (مقری، ۱۳۰/۱) که به سبب سلطه یهودیان بر مراکز مهم تجارت بردگان صقلایی از یک سو و نیاز امویان به حضور نیروهای قومی-نژادی دیگر به سرعت شمار آنها در قرطبه رو به افزایش نهاد.

یهودیان که تجارت بردگان صقلایی را در اختیار داشتند، در مسیر انتقال بردگان از اروپای شرقی به اندلس و از اندلس به شرق جهان اسلام (ابن فقیه، ۵۴۰)، بنگاه‌های تجاری سودآور بسیاری را در اروپا برپا کردند (مزروع، ۱۱۶). این سودهای هنگفت به وضع و اخذ مالیات‌های گزاف توسط دولت‌های اروپایی انجامید، چندان‌که گاه تاجران یهودی را به تغییر مسیر تجاری ناگزیر می‌ساخت (متز، ۳۰۱/۱).

در اواخر قرن سوم هجری (در خلال سال‌های ۹۶۵ تا ۹۷۳م) گزارش‌هایی از حضور یهودیان و اشتهار آنان به تجارت اسرای صقلی در شهرهای ماگدبورگ^۱ و ماربورگ^۲ در زاکسن^۳ آلمان وجود دارد که نمایانگر تمرکز بازرگانان یهود بر تجارت بردگان صقلایی در این نواحی است (بنملیح، ۱۹۵؛ عبادی، ۱۰؛ مجالی، ۲۸، ۲۹). یهودیان به واسطه مهارت در حرفه پزشکی، با اخته کردن گروهی از بردگان بر ارزش آنان می‌افزودند؛ این خواجگان به این سبب که در حرم‌سراها به کار گماشته می‌شدند، بهای بالاتری نسبت به سایر بردگان داشتند؛ از این رو در حدود سده‌های سوم تا پنجم هجری، به واسطه تمرکز یهودیان بر این نوع معاملات، که نیازمند تخصص در دانش پزشکی بود، اقتصاد و تجارت برده در اندلس رونق گرفت و بنادری که در این تجارت پرسود نقش داشتند، شکوفا شدند (مصطفی، ۴۲۱).

این خرداذبه که هم‌عصر با ورود صقالبه به دربار امویان بوده و به سبب مقام و موقعیت در حکومت عباسی از اخبار و اطلاعات مهمی آگاهی داشته، از تجار یهودی

-
1. Magdeburg
 2. Marburg
 3. Zaksn

راذانی^۱ گزارش کرده است (ابن خردادبه، ۱۵۳؛ بنملیح، ۱۹۶). این تجار به زبان‌های مختلف^۲ از جمله عربی، فارسی، رومی، فرانسوی (ابن فقیه، ۵۴۰)، اندلسی و اسلاوی آشنا بودند و با سفر به شرق و غرب، دختران و پسران اروپایی را که از عمده‌ترین کالاهای تجاری آن دوره محسوب می‌شدند برای خرید و فروش به مناطق دیگر با خود به‌همراه داشتند.^۳

آشنایی و تسلط یهودیان به زبان‌های اروپایی به دلیل تردد در سرزمین‌های مختلف و اشتغال به تجارت برده (عالم‌زاده، «یهودیان در دیوانسالاری مرینیان»، ۱۴۲)، عامل و زمینه‌ساز ایجاد روابط خارجی با مراکز تجاری در اروپا، از جمله آلمان و اندلس بود. زیرا این زبان‌ها، در مراکز اصلی تجاری اروپا تداول داشت و آشنایی بازرگانان یهودی با این زبان‌ها آنها را از دیگر تجار عرصه تجارت برده متمایز می‌ساخت (مصطفی، ۴۲۲). ابن‌حوقل نیز معامله بردگان صقلی را در انحصار تجار یهودی دانسته و از تبحر تجار یهود نسبت به سایر بازرگانان سخن گفته است (ابن‌حوقل، ۱۱۰/۱). او به درستی ده سده پیش از محققان اروپایی دریافته بود که یهودیان در جامعه اندلس از موقعیت اجتماعی بالایی برخوردار بوده و می‌توانسته‌اند به مناصب مهم اداری سیاسی دست‌یابند؛ از این‌رو به‌زودی به جایگاهی رسیدند که یک یهودی بزرگترین وزیر خاندان اموی شود (Deverell, 6). او حسدای بن شیروط، فیلسوفی یهودی بود که در زمان تأسیس خلافت قرطبه، به وزارت عبدالرحمن سوم (حک. ۳۰۰-۳۵۰) رسید (Menocal, 88).

۱. تاجران راذانی به واسطه زیستن در مجاورت رودخانه رون در فرانسه، به یهودیان راذانیه (راهدانه) به معنای «تاجران دریاها» معروف بودند (مزروع، ۱۱۶).

۲. در سفرنامه ابراهیم بن یعقوب طرشوشی به مردانی اشاره شد که با زبان‌های خارجی آشنایی یا تسلط داشته‌اند (Golden, 876).

۳. «مسلك التجار اليهود الراذانیة: الذين يتكلمون بالعربية و الفارسیة و الرومیة و الافرنجیة و الاندلسیة و الصقلیة و انهم یسافرون من المشرق الى المغرب و من المغرب الى المشرق براً و بحرا یجلبون من المغرب الخدم و الجوارى و الغلمان و الدیباچ و جلود الخبز و الفراء و السمور و السیوف و ...» (ابن خردادبه، ۱۵۳).

توانایی‌ها و امتیازات یهودیان در جامعه اندلس، همچون تبحر در معاملات برده، آشنایی با زبان‌های گوناگون و تخصص در حرفه اخته کردن بردگان و نیز برخوردار بودن از موقعیت سیاسی- اجتماعی بالا، به آنان امکان داد تا در مناسبات اجتماعی اندلس عصر اموی، نقش آفرینی کنند.

نتیجه

اسلاوها ساکنان نواحی شرقی و مرکزی اروپا بودند و با آن که با مهاجران شمال اروپا به لحاظ قومی و نژادی تفاوت داشتند، اعراب هر دو گروه را به سبب شباهت صورتی آنها (زیبایی روی، بوری موی و سفیدی چهره) صقالبه می‌خواندند. اسیران صقالبه در جنگ‌های داخلی اروپا عمده‌ترین کالای بازرگانان یهودی ساکن اندلس بودند که پس از تصرف این سرزمین توسط مسلمانان و حاکمیت امویان بر این سرزمین چون دوره پیش، تجارت پرسود بردگان را در انحصار خود داشتند. این بازرگانان، هم نیاز حرم‌سراهای امویان را با خواجهگان صقالبی تأمین می‌کردند و هم نیروهای نظامی جنگاور و وفادار آنان را فراهم می‌آوردند که حاصل این داد و ستدها برای یهودیان کسب ثروت و جایگاه اجتماعی و سیاسی و نیل به مناصب بلند حکومتی حتی وزارت بود. بردگان صقالبی نیز در حکومت و دربار نفوذ کردند و با دستیابی به مقامات بلند نظامی در عزل و نصب‌ها دخالت می‌کردند.

منابع

- ابن ابی اصیبعه، احمد بن قاسم، عیون الانباء فی طبقات الاطباء، تحقیق عامر نجار، مصر، قاهره، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۲۰۰۱م.
- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی الکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارصادر-دابیروت، ۱۹۶۵م.
- ابن حوقل، محمد، صورة الأرض، بیروت، دارصادر، ۱۹۳۸م.
- ابن خرداذبه، عبیدالله بن عبدالله، المسالك و الممالک، بیروت، دارصادر افست لیدن، ۱۹۹۲م.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، لبنان، بیروت، ۱۹۸۱م.
- ابن سعید مغربی، علی بن موسی، المغرب فی حلی المغرب، تحقیق خلیل عمران منصور، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۹۹۷م.
- ابن العبری، تاریخ المختصر الدول، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷ش.
- ابن عذارى مراکشى، بیان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب، تحقیق ج.س. کولان و دیگران، لبنان، بیروت، دارالثقافة، ۱۹۸۰م.
- ابن فضلان، أحمد، رحلة ابن فضلان الى بلاد الترك و الروس و الصقالبة، تحقیق شاکر لعیبی، المؤسسة العربیة للدراسات و النشر- دار السویدی، بیروت- ابوظبی، ۲۰۰۳م.
- ابن فقیه، ابوعبدالله، البلدان، تحقیق یوسف الهادی، بیروت، عالم الکتب، ۱۹۹۶م.
- ابوالفضل، محمد احمد، تاریخ المدينة المریة الاندلسیة فی العصر الاسلامی، الهيئة المصریة العامة للكتاب، ۱۹۸۱م.
- ارسلان، شکیب، خلاصة التاریخ الاندلس، لبنان، بیروت، دارالمکتبة الحیة، ۱۹۸۳م.
- بکری، عبدالله بن عبدالعزیز، المسالك و الممالک، تحقیق آدریان فان لیوفن و اندری فیری، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۹۹۲م.
- بن ملیح، عبدالاله، الرق فی بلاد المغرب و الاندلس، لبنان، بیروت، الانتشار العربی، ۲۰۰۴م.
- جیوسی، سلمی خضرا، میراث اسپانیای مسلمان، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۰ش.
- حتی، فیلیپ خلیل، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، آگاه، ۱۳۸۰ش.
- حمیری، محمد بن عبدالمنعم، الروض المعطار فی خبر الاقطار، تحقیق احسان عباس،

- بیروت، مکتبه لبنان ناشرون، ۱۹۸۴م.
- خالدی، خالدیونس، اليهود تحت حکم المسلمین فی الاندلس، الامارات العربیة المتحدہ، اصدارات دائرة الثقافة و الاعلام حکومت الشارقة، ۲۰۰۲م.
- دوزی، رینهارت، المسلمون فی الاندلس، ترجمه حسن حبشی، القاہرہ، الهيئة المصریہ العامہ للکتاب، ۱۹۹۴م.
- دویدار، حسین یوسف، المجتمع الاندلسی فی العصر الاموی، مطبعة الحسین الاسلامیة، ۱۹۹۴م.
- دهنخدا، علی اکبر، لغت نامه، زیر نظر جعفر شهیدی و معین و دیگران، تهران، روزنه، ۱۳۷۲ش.
- رضا، عنایت الله، «ابراهیم بن یعقوب»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر محمد کاظم بحنوردی، مرکز پژوهش های ایرانی و اسلامی، شماره ۶۷۱، خردادماه ۱۳۹۹.
- رینو، جوزیف، الفتوحات الاسلامیة، الجزائر، دارالحدیث بالتعاون مع دیوان المطبوعات الجامعیة بالجزائر، ۱۹۸۴م.
- سامرایی، خلیل ابراهیم، تاریخ العرب و حضارتهم فی الاندلس، عبدالواحد ذنون طه و دیگران، لیبیا، بنغازی، دارالکتب الوطنیة، ۲۰۰۰م.
- عالم زاده، هادی، «یهودیان در دیوانسالاری مرینیان»، یونس فرهمند و دیگران، مطالعات تاریخی جهان اسلام، بهار و تابستان ۱۳۹۶، شماره ۹، ص ۱۳۷ تا ۱۵۷.
- _____، «خزران در منابع اسلامی»، مقالات و بررسی ها، تابستان ۱۳۶۸، شماره ۴۷ و ۴۸، ص ۸۳ تا ۹۴.
- عبادی، احمد مختار، الصقالبة فی اسبانیة، مادرید، المعهد المصری للدراسات الاسلامیة بمدرید، ۱۹۵۳م.
- عمید، حسن، فرهنگ عمید، زیر نظر فرهاد قربان زاده، اشجع، ۱۳۸۹ش.
- عنان، محمد عبدالله، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ترجمه عبدالمحمدآیتی، تهران، کیهان، ۱۳۶۶ش.
- _____، «الصقالبة فی الروایة العربیة و فی الدولة الأندلسیة»، القاہرہ، مجلة السبوعیة للآداب و العلوم الفنون، شماره ۱۲۷، ۱۳۵۴.
- قزوینی، زکریا بن محمد، آثار البلاد و اخبار العباد، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۸م.
- قلقشندی، احمد بن علی، صبح الاعشی فی صناعة الانشاء، لبنان، بیروت، دار الکتب العلمیة، بی تا.

- کراچکوفسکی، ایگناتی یولیانوویچ، تاریخ الادب الجغرافی العری، تحقیق صلاح الدین عثمان هاشم، قاهره، مطبعة لجنة التالیف و الترجمة و النشر، ۱۹۶۳م.
- کسلر، آرتور، قبيلة سیزدهم، ترجمه جمشید ستاری، تهران، آلفا، ۱۳۶۱ش.
- گردیزی، ابوسعید، زین الاخبار، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۶۳ش.
- گروسه، رنه، امپراتوری صحرانوردان، ترجمه عبدالحسین میکده، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۵۳ش.
- متز، آدم، الحضارة الاسلامية فی القرن الرابع الهجرى، لبنان، بیروت، دار الکتب العربی، بی تا.
- مجالى، احمد حامد، الصقالبة و دورهم السياسى و الثقافى فی الاندلس، اردن، عمادة الدراسات العليا، جامعه مودة، ۲۰۰۸م.
- مزروع، وفاء عبدالله بن سليمان، « نفوذ الصقالبة فی الاندلس فی عصر الامارة و الخلافة»، ندوة الاندلس: قرون من التقلبات و العطاءات، مكتبة الملك عبدالعزيز العامة، ۱۹۹۶م.
- مسعودی، علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، لبنان، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
- _____، التنبيه و الاشراف، تحقیق عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهره، دارالصاوی، بی تا.
- مصاحب، غلامحسین، دائرة المعارف فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۰ش.
- مصطفی، خزعل یاسین، «الصقالبة الخصیان فی الأندلس عصرى الإمارة و الخلافة»، آداب الفراهیدی، العدد ۲۰، حزیران، ۲۰۱۴م.
- مقدسی، محمد بن احمد کرمی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، بیروت، دارصادر، بی تا.
- مقدسی، مطهرین طاهر، البدء و التاریخ، مكتبة الثقافة الدينية، بی تا.
- مقرئ، احمد بن محمد، نفع الطیب من غصن الاندلس الرطیب، تحقیق یوسف بقاعی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۹.
- منجم، اسحاق بن حسین، آکام المرجان فی ذکر المدائن المشهورة فی کل مکان، تحقیق سعد فهمی، لبنان، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۸.
- مونس، حسین، سپیدهدم اندلس، ترجمه حمیدرضا شیخی، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۷ش.
- نجار، حمادة فرج، الصقالبة فی قصور بنی امیه فی الاندلس، اسکندریه، موسسه شباب الجامعة، ۲۰۱۱م.

- _____، في حوار الحضارات الصقالبة في جيش الدولة الاموية في الاندلس، اسكندريه، موسسه شباب الجامعة، ٢٠١٤م.
- ياقوت حموي، معجم البلدان، بيروت، دار صادر، ١٩٩٥م.
- يعقوبي، احمد بن ابى يعقوب، تاريخ يعقوبي، بيروت، دار صادر، بى تا.
- AL-Eidi.E.M, "The Saqaliba at Bani Umayyad palaces" *International Journal of Humanities and Social Science* 2017.
- Curta.F, *The Slavs History and Archaeology of the Lower Danube Region*, Cambridge, University Press.(n.d).
- Cvijanovic.I, "The Typology of Early Medieval Settlements in Bohemia, Poland and Russia" *In The World Of The Slavs*, The Institute of History Belgrade, 2013.
- Deverell.R.D, "Muslim Spain Perspectives on al-Andalus" *HST 363-01 Term Paper*, 2011.
- Dovernic.F, *Byzantine Missions Among The Eslavs*, Rutgers University Press, 1970.
- Golden,P.B, "Al-Sakaliba", *EF², The Encyclopaedia Of Islam*, Leiden E.J. Brill, 1995.
- Gomez.R.p, "La Investingacion Sobre La Esclavitud En Espana En La Edad Moderna" *Norba. Revista de Historia*, 2008.
- Harvey.l.p, *Muslims In Spain*, The University of Chicago Press, 2005.
- Hraundal.T.J, *The Rus in Arabic Sources: Cultural Contacts and Identity*, Centre for Medieval Studies University of Bergen, 2013.
- Jankowiak.M, "Dirhams for slaves. Investigating the Slavic slave trade in the tenth century" *Medieval Seminar, All Souls*, 27 Feb 2012.
- Lewies.B, *Race and Slavery In The Middel East*, Oxford University Press, 1990.
- Markov.D, *Les Slaves Culture Et Histoire*, Tresore De Lart Mondial ,Bulgarie.(n.d).
- Menocal.M, "The Ornament of the World How Muslims, Jews and Christians Created a Culture of Tolerance in Medieval Spain" *New York: Little, Brown and Company*, 2002.
- Tikomomirov.M, *The Slavs and The East*, United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, Paris, 1965.
- Tomovich.S, *The Hebrew Origin of Serbs*, CNS, 2013.
- Walvin.J, *Slavery and the Slave Trade*, The Macmillan Press Ltd, London and Basingstoke, 1983.